



بسیاری از دانشجویان دانشکده دکتر آرش خجسته را می‌شناسند: دانشیار بخش جراحی دهان، فک و صورت، رئیس دانشکده فناوری‌های نوین پزشکی شهید بهشتی و محقق حوزه دندان‌پزشکی بازساختی. با کوچک‌ترین شناخت می‌شود خوی پژوهشگری را در ایشان در بالاترین حد آن دید. مسئله‌ای که شاید در مورد ایشان مهجور مانده باشد، سرپرستی دفتر استعداد‌های درخشان دانشکده در ابتدای تشکیل آن تا سال ۹۲ است. پس از

این‌که ترم قبل مسئولیت دبیر کلی دفتر را به عهده گرفتم، متوجه شدم که در سال‌های ابتدایی تشکیل دفتر فعالیت‌های متنوع و بسیار ارزشمندی صورت گرفته و شاید اگر این فعالیت‌ها نبودند، دفتر استعداد‌های درخشان حداقل به کیفیت الان در دانشکده وجود نداشت. با برگزاری اولین نشست دندان‌پزشکی این راه موفقیت، دکتر خجسته در مورد دوران سرپرستی دفتر مطالبی را بیان کردند که برای همه و مخصوصاً من جالب بود. برای همین از دکتر خجسته درخواست مصاحبه‌ای را کردم و ایشان هم با روی باز درخواست من را قبول کردند. در یکی از روزهای آذرماه سال ۹۵ در دفتر ایشان در دانشکده فناوری‌های نوین پزشکی شهید بهشتی این مصاحبه انجام شد. پیشاپیش از تأخیر زیاد در انتشار این مصاحبه پوزش می‌خواهم.

احمد صوفی محمودی

اردیبهشت ۱۳۹۶

### **لطفاً داستان شکل‌گیری دفتر استعداد‌های درخشان را برای ما بازگو کنید.**

شاید بهتر باشد در ابتدا به نحوه شکل‌گیری این واحد در وزارت بهداشت و کل دانشگاه‌های کشور اشاره کنم. در سال ۱۳۷۹ به دنبال خارج شدن تعداد زیادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف از ایران، مسأله فرار مغزها مطرح شد. در وزارت‌خانه‌های علوم و بهداشت کمیته‌هایی برای بررسی این موضوع تشکیل شد. در آن زمان هنوز بنیاد ملی نخبگان وجود نداشت. در دانشگاه علوم پزشکی تهران جلسه‌ای با حضور ریاست دانشگاه، دکتر ظفرقندی، و دانشجویان ۳ درصد برتر دانشکده‌های پزشکی، دندان‌پزشکی



و داروسازی به این منظور ترتیب داده شد. این جلسه برای اطلاع از نیازهای دانشجویان برتر تشکیل شد و هدف آن تشکیل یک دفتر زیر نظر معاونت دانشجویی و پژوهشی بود تا برنامه‌ریزی‌هایی برای بهبود وضعیت تحصیلی دانشجویان برتر انجام شود. بعد از جلسه، یک شورای سیاست‌گذاری متشکل از پنج نفر از دانشجویان برتر (دو نفر از دانشجویان پزشکی، دو نفر از دانشجویان دندان‌پزشکی که یکی از آن‌ها من بودم و یک نفر از دانشجویان داروسازی) ایجاد شد. سپس کانونی به نام کانون اندیشه‌های پویا پایه‌گذاری شد که بعداً به دفتر استعدادهای درخشان تغییر نام یافت. این مرکز دارای سه قسمت بود: آموزشی، پژوهشی و حمایتی (فوق برنامه). آن زمان نسبت به اکنون پژوهش‌های دانشجویی زیادی انجام نمی‌شد و برای همین معیار ورود به این دفتر تنها حضور در جمع سه درصد برتر دانشجویان دانشکده بود. در آن زمان مرکز پژوهش‌های دانشجویی دانشگاه تهران وجود داشت که عمده فعالیت‌های آن مربوط به برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی و کارهای فوق برنامه بود و اهداف بلندمدت نداشتند. به عنوان برنامه کوتاه‌مدت، از طریق معاونت دانشجویی ۲۰۰ ساعت اینترنت دایر آپ به دانشجویان واجد شرایط داده شد که این کار موجب ایجاد تعهد نسبی به دفتر شد. کار دیگر دادن اولویت انتخاب خوابگاه به دانشجویان استعداد درخشان بود. با وجودی که با کارگاه‌هایی مثل پروپوزال‌نویسی مخالف بودم (چون که دانشجویان به جای این که بدانند برای چه پروپوزال می‌نویسند و محقق شوند، پروپوزال‌نویس می‌شوند)، اما این کارگاه‌ها در مرکز پژوهش‌های دانشجویان دانشکده پزشکی برگزار می‌شد. همچنین طرحی با نام «دستیار محقق» ارائه شد تا دانشجویان در کنار محققین برتر دانشگاه به عنوان کمک تحقیق فعالیت کنند. جهت برنامه‌ریزی برای دانشجویانی که دستیار تحقیق بودند، «هرم تربیت پژوهشگر» تعریف شد؛ قاعده هرم شامل کارگاه‌های پروپوزال‌نویسی و رأس آن خروج یک پروپوزال اورجینال بود. این هرم توسط دکتر شهرام یزدانی (رئیس فعلی دانشکده آموزش پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی که آن زمان به تازگی از رشته ارتوپدی فارغ التحصیل شده بودند) پیشنهاد شده بود. این هرم به صورت یک برنامه دو ساله تعیین شد. حدود ۱۰۰ نفر از دانشجویان در این طرح شرکت کردند و در نهایت ۲۳ پروپوزال خروجی طرح بود. در جلسه‌ای که با آقایان دکتر لاریجانی و دکتر آخوندزاده داشتیم، توانستیم دانشگاه را مجاب کنیم که دانشجویان صاحب این طرح‌ها را به عنوان مجری اصلی طرح بشناسند و این طرح‌ها تا سقف پنج میلیون تومان تصویب شوند؛ کاری که تا آن زمان بی‌سابقه بود. یکی از علل مهاجرت دانشجویان آن زمان این بود که مستقیماً نمی‌توانستند در آزمون دستیاری شرکت کنند. آزمون دستیاری آن زمان یکی از خط قرمزهای مؤکد وزارت‌خانه بود و تنها یک درصد برتر دانشگاه حق شرکت در آزمون دستیاری به صورت مستقیم (straight) را داشت. با رایزنی‌هایی که با معاون آموزشی دانشگاه داشتیم، توانستیم این میزان را به سه درصد برتر دانشگاه افزایش دهیم.



با انجام این کارها خیلی خوشحال بودیم که دانشگاه حرف دانشجویان را می‌شنود. بسیاری از افرادی که در آن زمان با کانون اندیشه‌های پویا و دفتر استعداد‌های درخشان دانشگاه علوم پزشکی تهران همکاری داشتند، الان هم جزو محققین برتر دنیا هستند. از این افراد می‌توان به دکتر نیما رضایی (مؤسس شبکه علمی USERN و جزو دانشمندان یک درصد برتر دنیا) اشاره کرد. پس از قبولی در رشته جراحی دهان، فک و صورت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، از دفتری که جزو مؤسسانش بودم، جدا شدم. پس از آن حمایت‌ها از آن دفتر بیش‌تر شد و کم‌کم به ساختمانی تبدیل شد که الان می‌بینیم. البته در طول ۱۵ سال گذشته حمایت از نخبگان در کشور رو به رشد بوده است. مثال واضح آن تشکیل بنیاد ملی و آیین‌نامه استعداد درخشان و آیین‌نامه ۴۰ امتیازی استعداد‌های درخشان برای ورود به آزمون تخصص در وزارت بهداشت است. شاید نتیجه همین تلاش‌ها بود که ما در سال‌های اخیر شاهد مهاجرت معکوس نخبگان بوده‌ایم.

### **دفتر استعداد‌های درخشان در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی چگونه تأسیس شد؟ لطفاً داستان آن را برایمان تعریف کنید.**

به دلیل این که در دوران دستیاری بیش‌تر در بیمارستان طالقانی بودم، از فعالیت‌های صنفی در دانشکده زیاد مطلع نبودم. بعد از ورود تخصصی و در آبان ۸۷ به عنوان هیئت علمی وارد بخش جراحی دهان، فک و صورت شدم. در دو سال اول فرصت خوبی جهت ارتباط با دانشجویان فراهم شد. آن زمان دفتر توسعه آموزش پزشکی (EDC) در وزارت بهداشت تشکیل شده بود و مرکز استعداد‌های درخشان زیر نظر این دفتر بود. همچنین چارت استعداد درخشان به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ابلاغ شده بود. آن زمان دکتر بهزاد هوشمند (استاد بخش پرپروتیکس) رئیس دانشکده بودند. در مورد تجربه دانشگاه علوم پزشکی تهران با دکتر هوشمند صحبت کردم. ایشان هم برای راه‌اندازی دفتر استعداد‌های درخشان در دانشکده دندان‌پزشکی اعلام موافقت و حمایت کردند. با دکتر مهتاب نوری که آن زمان مسئول دفتر توسعه آموزش پزشکی دانشکده بودند، جلسه‌ای گذاشتیم و مسئله را توضیح دادم و ایشان نیز حمایت کردند. در نهایت با حکم دکتر هوشمند مسئول تشکیل دفتر استعداد‌های درخشان در دانشکده شدم. اولین کار ما، شناسایی دانشجویان واجد شرایط بود. از جمله این افراد دکتر آرش فرزانه (متخصص ارتودنسی)، دکتر امیرهاشم شهیدی و دکتر گلناز مراد (دانشجوی PhD دانشگاه هاروارد) بودند و جلسه‌ای با این دانشجویان تدارک دیده شد. قرار شد که دانشجویان استعداد درخشان در دانشگاه دیده شوند و درخواست‌هایشان شنیده شود. اتاق و پرسنلی به این دفتر اختصاص داده شد. جلسات منظم هفتگی با دانشجویان داشتیم. قرار بر این شد که پس از نوشتن اساس‌نامه توسط هیئت مؤسس، انتخابات دفتر برگزار شود. آن زمان دو آیین‌نامه نخبگی بنیاد ملی نخبگان و استعداد‌های درخشان وزارت بهداشت وجود داشت. با استعلام از سازمان



سنجش، ۱۹۰ نفر از دانشجویان دانشکده واجد شرایط استعدادهای درخشان اعلام شدند که بیشترین تراکم دانشجویان استعدادهای درخشان در کل دانشگاه بود. در سال ۸۸ ما بالاترین تراکم را در کل کشور داشتیم.

پس از شناسایی، یک پایگاه داده از دانشجویان واجد شرایط ایجاد کردیم. با اعمال شرط معدل، دو یا سه نفر از دانشجویان از این شرایط خارج شده بودند. این زنگ خطری بود برای این که اگر دانشجویان تحت نظر و راهنمایی نباشند، ممکن است استعدادهایشان شکوفا نشود. یک جلسه با دکتر شهرام یزدانی که آن زمان رئیس EDC دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بودند، گذاشتیم. ایشان گفتند که وزارت بهداشت برای هر دانشگاه ده میلیون تومان بودجه برای استعدادهای درخشان در نظر گرفته است. این موضوع با توجه به اختلاف تراکم چشمگیر دانشجویان استعدادهای درخشان در دانشگاه‌های مختلف به هیچ وجه منطقی نبود. از آن جایی که در دوران دانشجویی آموخته بودم که با برنامه‌ریزی منطقی و گفتار عقلانی می‌توان مسئولان وزارتخانه را مجاب به گرفتن تصمیم درست بکنیم، با کمک دکتر یزدانی، جلسه‌ای با دکتر ممتازمنش، رئیس EDC وزارتخانه و قائم‌مقام معاون آموزشی وزیر، گذاشتیم. دکتر ممتازمنش (که خود هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بودند) قول دادند که ممکن است کمک را پنج برابر کنند. همچنین به ایشان گفتم که پروتکل کنونی استعداد درخشان یک پروتکل ایستا است و پویا (دینامیک) نیست. منظور از ایستایی این است که با صرف درس خواندن شرایط استعداد درخشان برای یک دانشجو حفظ می‌شود، در صورتی که یک دانشجوی فاقد شرایط استعداد درخشان کارهای آموزشی و پژوهشی خارق‌العاده هم بکند، شامل استعدادهای درخشان نخواهد شد.

با کمک دانشجویان دوره اول و دانشجویانی که سال‌های بعد به جمع اضافه شدند (از جمله دکتر نیما معتمدیان و دکتر گلناز نحوی، رزیدنت‌های بخش ارتودنسی) و بسیار هم با انگیزه بودند، آیین‌نامه پویا تدوین شد. این آیین‌نامه به صورت یک جدول بود که دانشجویان بر اساس آن رتبه‌بندی می‌شدند. برای ورود اولیه به شرایط احراز استعدادهای درخشان، شرط‌های وزارتخانه (رتبه زیر ۵۰۰ و المپیادهای دانش‌آموزی و ...) را قرار و به آن امتیازی دادیم، اما تعیین کردیم که در صورتی که فردی این شرایط را نداشته باشد، در صورت کسب یک تعداد امتیاز معین بتواند شرط استعداد درخشان را کسب کند.

دکتر یزدانی از این آیین‌نامه بسیار استقبال کردند و این پروپوزال را به صورت پوستر در جشنواره آموزشی دانشگاه ارائه دادیم.



## آیا این آیین نامه و پوستر اعتبار رسمی دارد؟

به دلیل تغییرات مکرر مدیریتی در آن سال‌ها، هر بار که تلاش کردیم این آیین نامه را به صورت رسمی و قانونی ثبت کنیم، تغییر مدیران اتفاق می افتاد و مجبور بودیم از اول مراحل را طی کنیم. با دو سه بار طی کردن مراحل، انگیزه دانشجویان برای این کار کم شد. با ثبات مدیریتی کنونی، در صورتی که این طرح پیگیری شود، امکان دارد به نتیجه ای برسد.

الان نسبت به دوران دانشجویی من، با این که زیرساخت های حمایتی استعدادهای درخشان در وزارت خانه نهادینه تر شده است، ولی رویکرد داخل دانشکده ای نسبت به این مقوله منفعل تر شده است. من از سال ۹۲ تا ۹۴ معاون پژوهشی دانشکده دندان پزشکی بودم و تلاش بسیار زیادی در جهت پویایی دانشجویان با راه اندازی مجدد کمیته تحقیقات دانشجویی و مجله مروری دانشجویان انجام دادم. البته لازم است خاطر نشان کنم که نوشتن مقاله به عنوان یک شاخص می تواند نشانگر تحقیق باشد، اما بیانگر تمامی ابعاد آن نیست. منظور از پژوهش دانشجویی ذات تحقیق و جست و جویی است که می تواند پویایی ذهن را در دوران دانشجویی فراهم کند. در طول یک سال حدود صد و بیست مقاله در دانشکده تولید می شد. این مقالات بیشتر از همان دانشجویان سابق بودند که الان هیئت علمی شده اند و نسبت به نسل قبلی هیئت علمی کار با اینترنت و PubMed را سریع تر یاد گرفتند و با همان شتاب دوران دانشجویی مشغول به پژوهش هستند. برای همین دانشجویان الان نسبت به دانشجویان گذشته باید خیلی بیشتر تلاش کنند تا دیده شوند. من فکر می کنم در دانشکده دندان پزشکی شهید بهشتی بخش زیادی از استعداد دانشجویان دانشکده استفاده نمی شود.





## در زمان مسئولیت شما به عنوان رئیس دفتر استعدادهای درخشان چه فعالیت‌هایی در دفتر انجام شد؟

راه‌اندازی هر زیرساخت جدید در یک تشکیلات ۵۰ ساله چه از لحاظ سخت‌افزاری و چه از لحاظ نرم‌افزاری بسیار مشکل است. طبیعتاً به علت سکون هر مجموعه، در ابتدا مقاومت‌هایی صورت خواهد گرفت. در ارتباط با دفتر استعدادهای درخشان دانشکده نیز همین‌گونه بود. ما این مقاومت را هم در بُعد دانشجویی و هم در بُعد هیئت علمی داشتیم. جلسات مکرر با نمایندگان دانشجویی و تبیین این امر که این دفتر بیش‌تر نقش حمایتی دارد و نه نقش نظارتی و همچنین با طراحی یک سیستم سیال ورود دانشجو، امکان ورود دانشجویان جدید نیز وجود خواهد داشت. در بُعد هیئت علمی برگزاری جلسات مختلف با اساتید از بخش‌های مختلف و ایجاد فضای مثبت نسبت به این امر، در ماه‌های اولیه تأسیس دفتر انرژی زیادی می‌گرفت. با توجه به محدودیت فضای فیزیکی دانشکده، در اختیار قراردادن فضای فیزیکی و همچنین نیروی انسانی مناسب جهت انجام امور اداری از مهم‌ترین مسائلی بود که گمان کنم پس از گذشت ۶ ماه این امر میسر شد. ابتدا دفتر استعدادهای درخشان به صورت یک میز و در فضای اداری دانشکده قرار گرفت و سرکار خانم عبدالله‌زاده که اکنون در قسمت حسابداری دانشکده هستند، به عنوان کارشناس دفتر انتخاب شدند. برای ارتباط بهتر دانشجویان استعدادهای درخشان براساس شاخص هرش (H index) از هر بخشی یک نماینده هیئت علمی انتخاب شد.

بر اساس پیشنهاد ریاست وقت دانشکده، اساتید اغلب از اساتید جوان و با شرط نداشتن پست اجرایی همزمان انتخاب شدند. طبیعتاً در جلسات اول تجربیات قبلی در دانشگاه تهران و ضرورت پرداختن به این امر در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی مطرح شد. تراکم بالای دانشجویان در دانشکده دندان‌پزشکی شهید بهشتی (در حدود ۲۰۰ نفر به طور میانگین) از مهم‌ترین مشوق‌ها در این زمینه بود.

از اساتید دوره اول افرادی را می‌توانم به خاطر بیاورم: دکتر ناصری، دکتر وهبی، دکتر طباطبایی، دکتر نوری، دکتر ملک‌افضلی، دکتر یغمایی و ...

به‌دنبال نیازسنجی که از دانشجویان ورودی‌های مختلف شد، تصمیم به برگزاری کارگاه‌های آموزشی در حوزه‌های مختلفی مانند ایمپلنت، اورژانس‌های پزشکی، آموزش زبان انگلیسی و فرانسه گرفتیم. در واقع اولین دوره کارگاه‌های عملی ایمپلنت را برای دانشجویان دو ترم آخر به همراه جراحی بر روی مدل اجرا کردیم.

در آن زمان هر سال در کشور کنگره‌ای با عنوان کنگره دانشجویی برگزار می‌شد. اولین دوره آن توسط دانشکده دندان‌پزشکی همدان با ریاست دکتر بهزاد هوشمند و دکتر مهدی جوان برگزار شده بود. پیشنهاد برگزاری دومین دوره (در سال ۱۳۸۸) در دانشکده



دندان پزشکی شهید بهشتی و به وسیله دفتر استعداد های درخشان مطرح شد که پس از تصویب در شورای مرکزی دانشجویی دفتر در دستور کار قرار گرفت .

ترکیب اجرایی کنگره به این شرح بود: دکتر بهزاد هوشمند: رئیس کنگره، اینجانب: دبیر علمی، دکتر مهدی جوان: دبیر اجرایی و شورای مرکزی دانشجویی به عنوان کمیته اجرایی دانشکده بودند.

برنامه ریزی و طراحی کنگره به صورت یک کنگره تمام عیار و سراسری بود. به این ترتیب که از دانشکده های مختلف یک نماینده دانشجویی داشتیم. تالار امام خمینی و تالار ابن سینا دانشکده پزشکی شهید بهشتی را با ظرفیت مجموع ۱۵۰۰ نفر اجاره کرده بودیم. جالب این جاست که برای این کنگره ۲ نفر سخنران خارجی از کشورهای ترکیه و هند داشتیم. گمان می کنم که تنها کنگره داخلی دانشجویی بود که ۲ سخنران خارجی داشته و به صورت بین المللی برگزار شد. در این کنگره به صورت همزمان در ۲ سالن سخنرانی داشتیم و همچنین ۱ کارگاه هم برگزار می شد. استقبال نسبتاً خوبی از این کنگره شد. ولی متأسفانه افتتاحیه آن ناراحت کننده ترین خاطره دوران فعالیت های دانشگاهی من بود. به علت تغییرات مدیریتی که در دانشکده اتفاق افتاد، رئیس کنگره در افتتاحیه کنگره شرکت نکرد و بار مسئولیت آن همایش کاملاً بر دوش اینجانب و البته دانشجویان ساعی دانشکده افتاد. از پرسنل دانشکده سرکار خانم عبدالله زاده و سرکار خانم کریمی (که اکنون در حوزه معاونت پژوهشی دانشکده مشغول فعالیت هستند)، از دستیاران، دکتر سهند سمیعی (استادیار فعلی گروه جراحی دهان، فک و صورت دانشکده دندان پزشکی مشهد) و از دانشجویان، آرش فرزانه، امیرهاشم شهیدی، گلناز مراد، غزاله دشتی و سایرین در تیم اجرایی بسیار زحمت کشیدند. اکنون که به گذشته بازمی گردم، احساس می کنم که چه قدر بار تبلیغات و تجارت انگاری علوم مرتبط با دندان پزشکی در این کنگره نسبت به کنگره های امروزی کم بود.

پس از کنگره، من به علت حواشی ایجاد شده در کنگره استعفای خودم را تقدیم ریاست وقت دانشکده، سرکار خانم دکتر طبیب زاده کردم. این امر با مخالفت ایشان روبرو شد و طی جلسه ای ادامه کار اینجانب را تأکید کردند. دفتر دانشجویی استعداد های درخشان در آن زمان در اتاق مجاور سالن مطالعه قرار داده شد و سرکار خانم زمانی به جای سرکار خانم کریمی و خانم عبدالله زاده به عنوان نیروی اجرایی دفتر استعداد های درخشان منصوب شدند. از دانشجویان اضافه شده به دفتر در آن زمان، سعیدرضا معتمدیان و گلناز نحوی را به خاطر می آورم. یکی از مهم ترین فعالیت هایی که در آن سال ها (۹۰-۱۳۸۸) در دفتر اتفاق افتاد، راه اندازی وبسایت دفتر استعداد های درخشان (GTDS.ir) با همت عالی سعیدرضا معتمدیان بود.



مطالب درسی به صورت Powerpoint و در وبسایت upload می‌شد. با گذشت زمان، تعداد زیادی از اعضای هیئت علمی مطالب مرتبط با کلاس‌های درس خود را برای دسترسی همه دانشجویان در وبسایت دفتر قرار دادند تا آنجا که این امر در جشنواره آموزشی دانشگاه به عنوان یک فرایند آموزشی از راه دور شرکت کرد. با گذشت زمان و جافتادن دفتر، با برگزاری چندین جلسه با معاونت وقت آموزشی دانشکده، آقای دکتر ظفرمند، قرار بر این شد که حکم رسمی برای اساتید راهنمای استعدادهای درخشان در بخش صادر شود.

### هدف‌تان از این کار چه بود؟

چند هدف داشتیم. مهم‌تر از همه این امر موجب رسمیت بخشیدن به فعالیت‌های اساتید راهنما در بخش‌های مختلف می‌شد. هدف بعدی ارتقای سطح آموزشی دانشجویان و پایش دقیق عملکرد آن‌ها در کلینیک بود. این کار ممکن بود موجب هرج و مرج در داخل بخش‌ها شود. برای همین به هر استاد یک تعداد معین دانشجو اختصاص دادیم. به نظر من اهداف ما از این کار محقق نشد. چرا که هم اساتید نمی‌دانستند باید در این طرح جدید چه کاری انجام دهند و هم دانشجویان به اساتیدی که خودشان تمایل داشتند مراجعه می‌کردند.

من فکر می‌کنم نباید در دانشکده همه کارها را از دانشجویان استعدادهای درخشان بخواهیم؛ باید از اول همه خود دانشکده فکر کند برای دفتر استعدادهای درخشان چه کارهایی می‌بایست انجام دهد.

در آن سال‌ها من به عنوان مسئول کمیته دانشجویی ستاد سلول‌های بنیادی در معاونت علمی ریاست جمهوری انتخاب شده بودم. از این فرصت برای گسترش فعالیت‌های دفتر استفاده کردم. در سال ۹۰ با همکاری سرکار خانم دکتر فهیمه‌السادات طباطبایی و با حمایت رئیس وقت دانشکده (سرکار خانم دکتر وحید دستجردی) اولین سمینار مهندسی بافت در دندان پزشکی را با ۱۲ سخنران داخلی و خارجی و شرکت ۷۰ نفر از دانشجویان برگزار کردیم. در این همایش ۲ کارگاه عملی دانشجویی جداسازی سلول‌های بنیادی از پالپ دندان را نیز توسط خود دانشجویان ارائه کردیم. در این سمینار ۳ دانشجو از کشور آذربایجان نیز شرکت کرده بودند. البته در کنار این سمینارها، کارگاه‌های متعددی، مانند کارگاه مقاله‌نویسی، مرجع‌نویسی، روش تحقیق، زبان انگلیسی، زبان فرانسه و ... برگزار می‌کردیم.

از سال ۱۳۹۲ در ساختار معاونت پژوهشی دانشکده کمیته تحقیقات دانشجویی را مجدداً احیا کردم. در آن زمان جناب آقای دکتر اقبال ریاست دانشکده را تازه به عهده گرفته بودند و در این راه حمایت بسیار زیادی از اینجانب انجام دادند. با وجود مخالفت بسیار





زیاد ایشان، در سال ۱۳۹۲ از سرپرستی دفتر استعفا دادم و با استفاده از نظرسنجی در شورای مرکزی دانشجویی دفتر، سرکار خانم دکتر مشهدی عباس به جناب دکتر اقبال معرفی شدند.

### **گفتید که هدف اصلی کانونی که در دانشگاه تهران ایجاد شد، مقابله با پدیده فرار مغزها بود. آیا این تلاش‌ها به هدفش رسید؟**

فرار مغزها یک عنوان کلی است. هدف اصلی من تنها این بود که این دانشجویان دیده شوند، مهم انگاشته شوند و انرژی آنها از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل شود. شاید این امر منجر به این شده باشد که ما امروز افرادی مثل آرش فرزانه، سعید رضا معتمدیان، گلناز نحوی و ... را در داخل کشور داشته باشیم و شاید هم عوامل دیگری در آن مؤثر بوده باشد. شاید دغدغه فکری داشتن دانشجویان در طول دوران دانشجویی بهتر از بی‌دغدغه بودن آنها باشد. حالا این امر ممکن است منجر به قانون مصوب هم نشود. به نظر من علم دندانپزشکی در چند دهه آینده در دنیا متحول خواهد شد. درمان‌های رژنراتیو در بسیاری از حوزه‌ها جایگزین درمان‌های تکنیکال خواهند شد. پافشاری بر سیستم آموزشی سنتی دندانپزشکی، سعی در انتقال مهارت صرف به جای مهارت مبتنی بر دانش و عدم به‌کارگیری نیروی نخبه و بااستعداد جوان موجب افزایش فاصله ما در رشته دندانپزشکی با کشورهای توسعه‌یافته خواهد شد. در ایران (برخلاف بیشتر کشورهای دنیا) بااستعدادترین دانشجویان وارد رشته دندانپزشکی می‌شوند. این ظرفیت استعدادی بی‌بدیل می‌تواند به ما کمک کند که از این قافله عقب نیفتیم و فاصله‌ای که به‌عنوان مثال امروزه در بعضی حوزه‌های صنعتی، مانند صنعت هواپیمایی نسبت به دنیا داریم، ایجاد نشود.

من به نوبه خودم و در حد توانم سعی در این داشتم که دانشجویان استعدادهای درخشان دانشکده بتوانند در دنیا بدرخشند. ما برای راه‌اندازی آزمایشگاه سلولی مرکز تحقیقات دندانپزشکی خیلی دوندگی و تلاش کردیم. در این راستا دکتر صفوی و دکتر قاسمیان‌پور حمایت بسیار زیادی انجام دادند. در این آزمایشگاه برخلاف تمام آزمایشگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشجویان مشغول به کار هستند. این امکان حتی در کشورهای توسعه‌یافته هم برای دانشجویان undergraduate وجود ندارد. این زیرساخت الان در دانشکده ما وجود دارد و دانشجویان بالاخص دانشجویان استعدادهای درخشان می‌توانند از ظرفیت این آزمایشگاه استفاده کنند و در دنیا خود را به عنوان یک محقق و دانشمند معرفی کنند.

البته از افسوس‌های من این است که خیلی تلاش کردم که یک رشته PhD با عنوان «Oral and Craniofacial Biology» راه‌اندازی بکنم تا دانشجویان استعدادهای درخشان همزمان بتوانند این مدرک را دریافت کنند (مانند دوره MPH) که متأسفانه به سرانجام نرسید. کوریکولوم (برنامه درسی) مناسبی هم برایش نوشتیم، اما در جلسه‌ای که چند وقت قبل در وزارتخانه تشکیل شد،



این کوریکولوم رأی نیاورد که دلیلش حضور نیافتن نماینده دندان پزشکی وزارتخانه در جلسه دفاع بود. من فکر می‌کنم ده سال دیگر این کار انجام خواهد شد.

**شما در دوران عمومی در دانشگاه علوم پزشکی تهران و از دوران دستیاری تا کنون در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی بوده‌اید. جو حاکم بر این دو دانشگاه را در مقایسه با یکدیگر چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

من تفاوت خاصی را بین دانشجویان این دو دانشگاه نمی‌بینم. هر دو دانشگاه ظرفیت‌های بالقوه بسیاری دارند و در بازه‌های زمانی مختلف ممکن است این ظرفیت‌ها به بالفعل تبدیل شود.

**به چه دلیل در دانشگاه علوم پزشکی تهران پروژه‌های تحقیقاتی و دانشجویی بیشتری وجود دارد؟**

این طور نیست که همیشه دانشگاه علوم پزشکی تهران شروع‌کننده پروژه‌های مختلف و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی دنباله‌رو باشد. برای مثال دفتر استعداد‌های درخشان دانشکده دندان پزشکی تهران دو سال بعد از دفتر استعداد‌های درخشان دانشکده دندان پزشکی شهید بهشتی تشکیل شد و از آیین‌نامه ما استفاده کردند. مثال دیگر مجله مروری دانشجویی دفتر استعداد‌های درخشان دانشکده دندان پزشکی شهید بهشتی است. هنوز هم چاپ می‌شود؟

**فعلاً که نه، متوقف شده است (البته بعد از مصاحبه شماره جدیدی از آن منتشر شد).**

این مجله در آنجا بسیار سر و صدا کرد.

هر چند که این موضوع توجه به دانشگاه‌ها موجب ایجاد یک رقابت سالم شده است و از این لحاظ خوب است، اما به نظرم هیچ تفاوت خاصی با هم ندارند.

**از این که دعوت ما را برای مصاحبه پذیرفتید، بسیار متشکرم.**